



از سوی مقام معظم رهبری صورت گرفت موافقت تخفیف مجازات تعدادی از محکومان

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات دوهزار و صد و سی و پنج نفر (۲۱۳۵) از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضائی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی موافقت کردند...

صفحه ۲

پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹ • ۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۶ آگوست ۲۰۲۰



سخنگوی قوه قضائیه:

قوه قضائیه در برخورد با جامعه مطبوعاتی اصلاح رویه داشته است

گروه سیاست: سخنگوی قوه قضائیه می‌گوید قوه قضائیه در برخورد با بخش‌های مختلف از جمله جامعه مطبوعاتی اصلاح رویه و بازنگری داشته است. به گزارش میزان، غلامحسین اسماعیلی ضمن تبریک ولادت امام هادی (ع) و عید غدیر...

صفحه ۳

سال هفدهم • شماره ۳۷۸۶ • موقتا ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

تیترو

تراژدی بیروت

- بیش از ۱۰۰ کشته و ۴۰۰۰ مجروح در انفجار عصر سه‌شنبه بیروت
- انفجار محموله‌ای شامل ۲۷۵۰ تن نیترات آمونیوم
- این محموله حدود ۶ سال در انبار بندر بیروت توقیف شده بود
- نیترات آمونیوم در بمب گذاری اوکلاه‌ما در سال ۱۹۹۵ میلادی استفاده شده بود
- خسارت وارد شده در تخمین‌های اولیه بیش از ۵ میلیارد دلار گزارش شده است
- طبق گزارش‌ها نیمی‌های از شهرویران و حدود ۳۰۰ هزار نفر بی‌خانمان شده‌اند
- بسیاری از افراد حاضر در محل نیز مفقود شده‌اند که تعداد آنها مشخص نیست
- این حادثه زمانی روی داد که لبنانی‌ها در انتظار اعلام نتیجه دادگاه ترور حریری بودند

انفجارهای لبنان از سال ۲۰۰۵ میلادی

صفحه ۴

رمزگشایی از یک پرونده تروریستی

محسن روحی صفت: پرونده مزار شریف هنوز باز است • صفحه ۶ • تنها بازمانده حادثه: آقای بروجردی می‌گفت بمانید



سرنوشت نافر جام وزرای اقتصادی روحانی

صفحه ۲

تیترها

**حاشیه‌نشینان آتی
اصولگرایی**

صفحه ۳

**از نخست‌وزیری در میان
اعتراضات تا انحلال
حزب رستاخیز**

صفحه ۲

**سراغ دانه‌درشت‌ها
هم بروید!**

رسول پناه: مدیربازداشتی، پرسپولیسی است

صفحه ۱۱

**واکنش سازمان
هواپیمایی به یک گزارش**

تغییر رئیس سازمان هواپیمایی کشوری

صفحه ۵

**اصحاب قدرت مرجعیت
رسانه‌ها را از بین برده‌اند**

گفت‌وگو با فریدون صدیقی

صفحه آخر

**همه چیز هم دست خود
آدم نیست**

گفت‌وگوی منتشرشده
با خسرو سینیایی

صفحه ۸

سرمقاله

**اعتراضات هفت‌تپه و معنی
جدیدی از جامعه مدنی**

حمزه نوذری

در شرایط قرمز شیوع ابیدمی کرونا و گرمای طاقت‌فرسا در خوزستان کارگران هفت‌تپه نزدیک به دو ماه است که مجددا اعتراض خود را آغاز کرده‌اند. ظاهرا و براساس گزارش‌های خبری مسئله به حقوق عقب‌مانده کارگران تمدید نشدن دفترچه‌های بیمه درمان برمی‌گردد. در ریشه‌یابی مسئله هم دو دلیل ذکر می‌شود:

- واردات بی‌رویه شکر و لطمه به تولید داخلی آن، به‌ویژه در هفت‌تپه
- خصوصی‌سازی نادرست.

بر این اساس، اگر واردات متوقف یا محدود شود و شرکت‌ها هفت‌تپه به اشخاص باصلاحیت واگذار شود، مشکل برطرف می‌شود. اما چنین ساده‌انگاری‌هایی کمکی به مسئله نمی‌کند. نوع نگاه به مسئله باید تغییر کند. شاید این‌گونه تعبیر شود که تشکل‌های کارگری و کارگران حق اعتراض دارند و کارگران هفت‌تپه نیز به‌عنوان جزئی از جامعه مدنی حق تجمع و نقد سیاست‌های دولت را دارند و دولت نیز وظیفه دارد صداها را بشنود و تدبیر کند؛ به‌عبارتی در این نگاه، جامعه مدنی نیرویی است برای نقد و اعتراض. با بررسی اعتراضات و شعارهای کارگران هفت‌تپه این نکته روشن می‌شود که نه تنها اعتراض کارگران به ناکارآمدی بوروکراسی دولت و نمایندگان دولت از جمله استاندار، فرماندار و... در تأمین اجتماعی و امکانات رفاهی و حمایتی است، بلکه به ناکارآمدی بخش خصوصی و بازار و از همه مهم‌تر بی‌وفاداری میان این دو نیز معترض هستند. بررسی اعتراضات کارگران هفت‌تپه نشان می‌دهد که از درون اعتراضات، تفکر و معنای جدیدی از جامعه مدنی در حال شکل‌گرفتن است؛ جامعه مدنی به‌مثابه منبعی برای حل مسائل رفاهی و اقتصادی. به‌عبارتی جامعه کارگران در مقابل ناکارآمدی بوروکراسی دولتی و بازار در تأمین خدمات اجتماعی، اقتصادی و رفاهی به این باور رسیده‌اند که جامعه مدنی می‌تواند جایگزین هر دو شود؛ جامعه مدنی هم به‌عنوان نیرویی برای اعتراض و نقد سیاست‌های دولتی و بازار و هم منبعی برای جایگزین بوروکراسی و بازار. سخن از نوآوری‌های جامعه مدنی برای ارائه خدمات اقتصادی و رفاهی به افراد است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

سهراب

در پستوی خانه‌ای به زنجیر کشید. درباره رستم، گو بیلتن همگان داستان‌ها می‌سرایند، چرا باید نسبت خویش با او را پنهان کنم، بر آتم از ترکان سپاهی فراهم آورم، به ایران روی آورده، کاووس را از اورنگ شهرباری فروکشم و پدر خویش را بر گاه کاووس بشنامم و سپس از ایران به توران رفته و سر تخت افراسیاب را نیز سر نیزه بگذارم، زیرا وقتی رستم پدر باشد و من پسر، کسی در کیتی نباید تاج بر سر داشته باشد.

کمون من توران جنگاوران/ فراز آورم لشکری بیکران

برانگیزم از گاه کاووس را/ از ایران برم بی‌توس را

از ایران به توران شوم جنگ‌جوی/ ابا شاه روی اندر آرم به روی

چو رستم پدر باشد و من پسر/ نباید به گیتی هستی تاجور

و همان‌گونه که سهراب گفته بود، خورشید در پستوی خانه نماند و افراسیاب را آگاه کردند که کودکی که هنوز دهنش بوی شیر می‌دهد، نمونه کوچکی از پدرش بود و چون سه‌ساله شد، به بازی چوگان روی آورد که شگفتی همگان را برانگیخت و در ده سالگی هیچ پهلوانی را تاب و تاو کشتی‌گرفتن با او نبود.

روزی سهراب به نزد مادر آمده، از او پرسید: «در پیرامون خویش هر که را می‌نگرم، پدري دارد و درحالی‌که من از دیگر همگنانم برتر هستم و سر به آسمان می‌سایم، پدر خویش را نمی‌شناسم، من از پشت کدام و گوهر من از کدام خاندان است، اگر کسی نام پدر مرا جویا شود، چه بگویم؟». تمهینه به او گفت: «اندوه به دل راه مده که تو فرزند رستم، گو بیلتن، از خاندانی هستی که شهریان ایران که شکوه‌مندترین شهریان جهان هستند، تکیه بر این خاندان دارند و هستی خویش را از گرو پدران و نیاکان تو می‌دانند و از آغاز تا امروز، جهان‌آفرین تا جهان را آفرید، پهلوانی چون رستم، نیافرید». سپس نامه‌ای را که پدرش برای تمهینه همراه با سه یاقوت رخشان نشانده بر سه مهره زر از ایران فرستاده بود، به سهراب نشان داد و گفت: «افراسیاب نباید از وجود تو آگاه شود که در آن صورت نمی‌دانم چه سرنوشتی خواهی یافت که بی‌گمان به خون نوشته خواهد شد و تو را از پدرت نیز پنهان داشته‌ام، چه می‌دانم با آگاهی از وجودت، تو را به نزد خود خواهد برد و آن‌گاه دل مادرت از اندوه دو باره خواهد شد».

سهراب در پاسخ گفت: «هرگز نژاد خویش را پنهان نمی‌کنم که شکوه خاندان پدرم، درخششی دارد که پنهان‌شدنی نیست و خورشید را نمی‌توان

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

طبقه‌علیه دولت نه طبقه‌علیه طبقه

نمود، جالب‌تر اینکه برخلاف همه انقلاب‌های کوچک و بزرگی که از سده هفدهم در اروپای نورخ داده است، هیچ‌یک از طبقات اجتماعی در برابر انقلاب مشروطه نایستاد و مهم‌ترین دستاورد انقلاب، خود مشروطه بود که از دید مبارزان و حامیان آن، معنایی جز حکومت قانونی نداشت. بنابراین انقلاب مشروطه نه یک انقلاب بورژوازی و نه مشابه هیچ نوع دیگری از انقلاب‌های اروپایی نبوده است. مشروطه‌خواهان ایرانی به‌ویژه دموکرات‌های تندرو، هیچ‌گونه تعارضی میان قانون و آزادی نمی‌دیدند. در واقع، آنان در عمل این دورا مترادف می‌دانستند و هر دو را به معنی آزادی می‌گرفتند. ولی در عین حال مفهوم قانون در اندیشه آنان مفهومی سلبی بود زیرا به معنی برچیدن چیز دیگر بود نه کاربست و تحمیل فعال آن. پس قانون از نظر آنان به معنی نبود حکومت خودکامه بود. در عمل این با روابط و گفتمان دیرینه‌ای که در جامعه ایران میان ملت و دولت وجود داشت و با چرخه ادواری حکومت خودکامه، شورش و انقلاب دگرگون شود. اما به طور کلی، قانون غیرقابل نقض بود و به طور معمول به دشواری تغییر می‌کرد. این گفته به‌ویژه درباره آن دسته از قوانین بنیادینی که بعدها قانون اساسی نام گرفت و در آن حقوق و تکالیف اساسی افراد، گروه‌های اجتماعی و دولت تعریف شده بود، صدق می‌کرد. چنین قوانینی نوشته یا نانوشته یا سنت‌های جاافتاده‌ای در ایران وجود نداشتند. در واقع به همین دلیل بود که اعمال خودسرانه، ممکن و در واقع عادی بود. به این ترتیب در ایران هیچ‌گونه قانون یا سنت بنیادین غیرقابل نقضی که جان، مال و کار افراد را به شکل معقولی امن و پیش‌بینی‌پذیر کند، وجود نداشت. به همین دلیل همیشه جنبش‌های ایرانی چه سنتی و چه نو، قیام تمام جامعه در برابر دولت بوده است نه قیام طبقات اجتماعی پایین‌تر در برابر طبقات اجتماعی بالاتر. سرشت هر انقلاب را می‌توان با بررسی اهداف، پشتیبانان، مخالفان و نتایج آن بازشناخت. در انقلاب مشروطه، هدف محوری، مشروطه بود؛ یعنی استقرار حکومتی که مفید و مشروط به قانون باشد. پیش از جعل اصطلاح مشروطه، به‌طور عمومی بدون استناد واژه «فئسطیوسوسون» به کار می‌رفت و اکثر بازرگانان، افرامندان و مغازه‌داران، بیشتر علما و جماعت مذهبیون و اگر نه بیشتر زمین‌داران و رؤسای عشایر دست‌کم بسیاری از آنان، بیشتر مردم عادی شهرنشین و تمام کسانی که تحصیلات جدید داشتند، فعالانه یا غیرفعالانه پشتیبان مشروطه بودند و پیروزی سال ۱۲۸۸ بدون پشتیبانی کامل رهبران بزرگ دینی مانند حاج میرزا حسین تهرانی، آخوند ملاکظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و... و نیز زمین‌داران و رؤسای ایلات نظیر سپهدار (و بعدها سپهسالار) تکهانی، سپهدار رشتی، علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری و نجفقلی‌خان صمصام‌السلطنه امکان‌پذیر

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

سخنی با آقای اکبر ولایتی

قادر باستانی

روزنامه دانشگاه آزاد اسلامی، در نیم‌تای بالایی صفحه اول خود، تصویری بزرگی از هاشمی‌رفسنجانی گذاشته و با تیترو «منشور مانور تجمل»، خواسته از مسابقه تخریب چهره سابقون انقلاب عقب نماند. این خط را صدواوسیما مدیریت می‌کند و با تحریف تاریخ، چهره‌های جعلی و ساسخنگی از هاشمی ترسیم کرده که او دل در گرو انقلاب نداشته است و دنبال اشرافی‌گری و غارت بیت‌المال بوده و همه ناکامی‌های چند دهه گذشته را باید حاصل این ترویج تجمل‌پرستی دانست. یک نهاد مدعی تاریخ‌نگاری انقلاب، با رافرات نهاده و کتاب قاچاقی، بدون مجوز ارشاد، چاپ و پخش کرده و در آن نوشته که اندیشه هاشمی‌رفسنجانی، به‌مراتب خطرناک‌تر از امثال احمد کسروی برای اسلام بوده است، همه اینها در روز روشن و جلوی چشم شما آقای ولایتی و دیگر عزیزانی اتفاق می‌افتد که دوشادوش هاشمی، سال‌ها در هیئت حاکمه حضور داشتید و به جعلی‌بودن همه فضاسازی‌های ناشیانه واقف هستید و با سکوت خود، صحنه بر این روند می‌گذارید. تحلیل محتوای روزنامه دانشگاه آزاد نشان می‌دهد که آنها خط‌خطی خود را از شما می‌گیرند و دست‌اندرکاران آن هم منصوب شما هستند و باورکردنی نیست که بدون هماهنگی و اجازه شما، دست به چنین خط ناپسندی بزنند. همه نیک می‌دانیم که خشت‌خشت بنای رفیع دانشگاه آزاد، با زحمت و تلاش و خون‌دل‌خوردن‌های هاشمی آمده و بی‌اغراق اگر این بنا، پشتوانه محکم هاشمی را نداشت، شکل‌گیری و تثبیت و اعتدالی آن ناممکن بود؛ بنابراین تخریب هاشمی در آرگان دانشگاه، بیشتر چنگاه و تاسف‌بار است که چگونه عده‌ای ننشستند و با بی‌انصافی و به دور از اخلاق، چنین پرده‌دردی می‌کنند و ابایی از کرده خود ندارند. ادعای روزنامه آن است که ما چیزی نگفته‌ایم و هرچه هست از خاطرات خود هاشمی نقل کرده‌ایم. آقای ولایتی عزیز! اگر یادتان باشد، من اوایل دهه ۷۰ خبرنگار بودم و اخبار حوزه وزارت خارجه را پوشش می‌دادم و از نزدیک شاهد جان‌فشانی‌های تحسین‌برانگیز شما در عرصه دیپلماسی و پیشبرد سیاست تشنج‌زدایی در دولت سازندگی بودم.

ادامه در صفحه ۴